

آشنائی

با
دیانت بہائی

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۳۰ ایدیع

قرنی که شاهد ظهور بود
مهممهممهممهممهممهممهممهممهممهم

لازم است برای آشنائی بیشتر با موقعیت
زمانی ظهور دیانت بهائی در کمال اختصار
به ذکر رئوس مطالب مهم اجتماعی و سیاسی
و علمی قرن نوزدهم بپردازیم .

اشارات انقلاب صنعتی قرن هیجدهم در
انگلیس در قرن نوزدهم شدت بیسابقه یافت
و نقطه اوج خود نزدیک شد .

اختراع ماشین و استفاده از نیروی بخار
در زمینه صنعت نساجی که ستون فقرات
اقتصاد انگلستان بود باعث تولید زیاد و در نتیجه
اجبار به صدور محصولات بسایر ممالک شد
و این امر به نتیجه قهری توجه بوسائل حمل و

نقل منتج گردید .

بطور خلاصه عوامل جدید تولید تأثیری عمیق در روابط انسانی و اجتماعی کارگر و کارفرما نمود و ضوابط این ارتباط را از صورت قدیم بگونه ای جدید درآورد و توسعه نحوه استفاده از قوه بخار در سایر صنایع و استفاده سایر ملل از این نیرو باعث دگرگونی عمیق و وسیع در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ممالک مربوطه جهان شد .

از طرفی انقلاب کبیر فرانسه که نمایشگر گسسته شدن قیود و بندهای استبداد سلاطین و پیشوایان مذهبی بود اثراتی عمیق در اکثر کشورهای جهان قرن نوزدهم گذاشت بالاخص که مسیر تاریخ سیاسی بسیاری از ملل اروپائی را تغییر داد زیرا انقلابات ۱۸۴۴ که در اکثر

ممالك بزرگ اروپا روی داد سبب شد که مردم
 توانستند به آزادیهای فردی و سیاسی
 دست یابند . نتیجه این دو انقلاب یعنی
 انقلاب صنعتی انگلیس و انقلاب اجتماعی
 و سیاسی فرانسه موجب شد که ممالك اروپائی
 برای بدست آوردن سرزمین های دور و لسی
 زرخیز بعنوان بازار فروش و انبارغله بایکدیگر
 بر رقابت پردازند . احساسات ملی و ملیت پرستی
 رویتزاید گذاشت . احساسات ضد مذهبی در
 مردم بیدار شد و از همان زمان بود که وجه عالم
 رو بلامذهبی توجه یافت همه این مسائل
 مقدمه انقلابات بزرگ دیگر در این سالها شد
 و قدرت حکومت ملی باوج خود نزدیک گردید
 و حل مسائل و اختلافات بین کشورها در سطح
 جهانی بر اساس مصالح ملی نه بر پایه عدالت

انسانی پایه گذاری گردید و در نتیجه نطفه
 دو جنگ جهانی اول ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ و دوم
 ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ بسته شد که از میان
 آتشیهای جنگ اول جهانی انقلابات کمونیستی
 بصورتی حاد و وسیع در روسیه تزاری بسال
 ۱۹۱۷ اتفاق افتاد .

ظهور داروین و بیان فلسفه تنازع بقا
 و انتخاب انساب و توجیهی که هگل و لامارک
 قبلا از این نظریه نمودند بر شدت تغییر افکار
 افراد انسانی بسوی لامذهبی و عدم اعتقاد
 باصول اخلاقی و روحانی افزود .

در نتیجه اعتقاد باین اصل که حق حیات
 با قوی است دول عالم ناگزیر از ازدیاد
 تسلیحات و ازدیاد افراد نظامی و ایجاد قانون
 نظام اجباری بمنظور حفظ سیاست موازنه

گردیدند .

رسیدن باین هدف مستلزم بود جهه
 سنگینی بود که بصورت مالیات به توده مردم
 تحمیل شد و نظام اجتماعی ممالک از داخل
 بدلیل فشارهای مذکور و از خارج بعلت مسابقه
 تسلیحاتی بکلی مختل گردید . پیمانهای
 متعدد سیاسی و نظامی و کنفرانسهای پیاپی
 وتشکیل مجامع صلح در زمانهای مختلف بدون
 اخذ نتیجه و باصرف وقت بسیار منعقد شد .
 تعصبات ملی - نژادی و سیاسی باقبول
 وبسط فلسفه تنازع بقا از مظاهر چشم گیر
 این قرن است .

در ایران ظهور دیانت بابی وبهائیس
 مصادف باسلطنت محمد شاه و ناصرالدین شاه
 قاجار بود . علماء روحانی در این زمان در دربار

قاجار و بر مردم عامی نفوذ کامل داشتند و در
 حقیقت آنها نویسندگان سرنوشت سیاسی و ملی
 و اجتماعی و مذهبی مردم ایران بودند بالاخص
 نفوذ علمای مذهبی بر شاهان قاجار بسیار شدید
 بود علمائی که با هرگونه تجدد و ترقی
 در زمینه مسائل علمی و مادی مخالفت میورزید و
 از نفوذ تمدن ممالک اروپائی در نهایت حدت
 جلوگیری میکردند . تعصبات مذهبی مردم
 ایران در این سالها در اوج شدت بود .

در چنین هنگامه ای دیانت بهائی ظاهر شد
 و ندای صلح و دوستی و آشتی و خداپرستی و
 ترك همه تعصبات را برای وصول بوحدهت عالم
 انسانی بقیمت فدای جان بیست هزار نفس
 مقدّس و شهادت مؤسس دیانت بابی و تبعید
 و حبس چهل ساله شارع آئین بهائی بلند کرد .

تاریخ دیانت بهائسی
 ~~~~~

ذیلاً بکمال اختصار تاریخ حیات مؤسسین  
 و مروجین امر بهائی را ذکر مینماید :

حضرت باب

نامشان سید علی محمد . اهل شیراز  
 از سلاله طاهره نبوی تا اوان جوانی در شیراز  
 و بوشهر بتجارت مشغول بودند .

در سن ۲۵ سالگی در شیراز در سال  
 ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق ۱۸۴۴ میلادی  
 ادعای مظهریت ظهور جدید الهی تحت عنوان  
 قائم موعود فرمودند . عده ای از علماء و  
 دانشمندان و شاگردان حوزه درس شیخ احمد  
 احسائی و سید کاظم رشتی مؤسسین فرقه

شیخیه ابتدا بایشان گرویدند و سپس مردم  
 عادی بایشان اقبال کردند و در نتیجه علماء  
 اسلام علیه این نهضت روحانی بتمام قوا قیام  
 نمودند و با استفاده از نفوذ بی حدی که در  
 دستگاه حکومت سلسله قاجاریه و تعصبات  
 جاهلیه مردم بیسواد و خرافی و بی اطلاع  
 داشتند بقتل و غارت پیروان حضرت ربّ اعلی و  
 حبس و تبعید و سرانجام شهادت ایشان  
 پرداختند و از هیچ اقدامی برای جلوگیری از  
 نفوذ امر جدید فروگذار نکردند . دست بهر  
 ظلمی زدند . خانه ها ویران کردند . هزاران  
 نفر از پیروان حضرت باب را بانواع مشقات  
 بشهادت رساندند و حتی بزنها و بچه ها  
 نیز رحم نکردند . این نهضت روحانی که  
 در زمان سلطنت محمد شاه قاجار و سردارت

حاج میرزا آغاسی شروع شد پس از شش سال  
 تحمل انواع بلا یا در زمان ناصرالدین شاه  
 قاجار و صدارت امیرکبیر قائد خود را از دست  
 داد زیرا امیرکبیر با اصرار تمام بدریافت  
 فرمان شهادت حضرت ربّ اعلیٰ از ناصرالدین  
 شاه فائق آمد و ایشان در میدان سربازخانه  
 تبریز هدف هفتصد و پنجاه گلوله قرار گرفتند .  
 حضرت باب علاوه بر ادعای مظهریت  
 الهی و اثبات آن از طریق معمول انبیاء گذشته  
 خود را مبشر ظهور عظیمی خواندند که بزودی  
 ظاهر خواهد شد و در آثار خویش خود را بنده  
 آن مظهر ظهور کَلّی الهی معرفی و آرزوی بلا  
 و شهادت در راه او فرمودند .  
 در این هنگام حضرت بهاء الله که از ابتداء  
 ظهور حضرت باب بایشان گرویده

علی الظاهر یکی از پیروان مشهور و سرشناس  
ایشان بودند و با آنکه از خاندان اشراف  
بودند بدلیل ایمان بحضرت اعلی دچار  
هزاران زحمت و مشقت شدند و مورد ضرب و ظلم  
و ستم قرار گرفتند .

### حضرت بهاء الله

نامشان میرزا حسینعلی فرزند میرزا بزرگ  
نوری وزیر و از حضرت باب و سال بزرگتر بودند.  
در اوائل ظهور حضرت باب در شیراز بوسیله  
اولین شخصی که بایشان ایمان آورد بنام  
ملاحسین بشرویه بشارت ظهور حضرت اعلی را  
شنیدند و در نتیجه کمر همت بخدمت امرجدید  
و بدیع بستند و بهمین دلیل اموالشان تاراج شد  
و خانه ایشان به غارت رفت ولی حضرت بهاء الله  
با وجود تحمل اینهمه بلا در راه خدمت بامر



الهی هرگز لب بشکایت نگشودند بلکه در  
 نهایت سرور بخدمت امر حضرت اعلیٰ ادامنه  
 دادند و باعث تشویق و تحریص دیگران بقداکار<sup>ی</sup>  
 و جانفشانی در راه امر بدیع شدند و بطوری در  
 این امر مصروفیت یافتند که در واقعه تیراندازی  
 بسوی ناصرالدین شاه متهم شدند و بزندان  
 سیاه چال طهران افتادند و مدت چهارماه  
 با عدۀ کثیری از مؤمنین حضرت باب در سیاهچال  
 که زندانی بس کثیف و تاریک و پر از حشرات بود  
 زیر غل و زنجیر سنگینی معروف به قره کهر بسر  
 بردند و عاقبت با اهل بیت و تعدادی از بابیان  
 در زمستان سخت سال ۱۸۵۱ به بغداد  
 و پس از یازده سال و اندی به اسلامبول و پس از  
 چند ماه بادرنه و پس از قریب پنج سال بعلگا  
 شهری که محل تبعید جانیان قطاع الطریق و

محکومین سیاسی بود و از نظر آبادی خرابترین  
 شهر جهان و از نظر آب و هوا بدترین شهر  
 دنیا لقب داشت تبعید و در همین شهر  
 زندانی شدند و تا پایان عمر در این شهر محبوس  
 و یا تحت نظر بودند .

در ابتدای خروج از بغداد ادعای مظهریت  
 فرمودند و خود را موعود کلیه کتب مقدسه  
 و ادیان خواندند و در حبس و تبعید مأموریت  
 و رسالت الهی خود را اعلام فرمودند و در آرزو  
 و عگا پیام الهی را بتمام سلاطین مقتدر اروپا  
 و پادشاهان ایران و عثمانی و روسای جمهور  
 امریکا و پیشوایان مذهبی اعلام داشتند .

حضرت بهاء الله ادعا کردند که مظهر ظهور  
 کلی الهی در این زمانند و برای نجات بشر از جنگ  
 و خونریزی و ظلم و جور و بی عدالتی و ایجاد نظم

بدیع جهانی و تأسیس مدنیّت حقیقی الهی  
 و آشتی بین قبایل و ملل عالم ظاهر شده اند  
 و بیک يك رؤسای عالم انذار و اخبار فرمودند  
 که تنها راه نجات بشر از مهلکه جنگها و بسی  
 عدالتیها و انقلابات روزافزون عالم انسانی  
 تمسک تام و تمام بتعالیم ایشان است .

حضرت بهاء الله قبل از صعود (۱) در سال  
 ۱۸۹۲ طی وصیت نامه ای که بکتاب عهدی  
 معروف و بخط خودشان مرقوم است فرزند  
 ارشد خویش حضرت عبدالبهاء را بعنوان مبین  
 آیات و جانشین خود تعیین فرمودند تا پس از  
 ایشان وحدت جامعه بهائی که هدفش وحدت  
 عالم انسانی است حفظ شود و از بروز انشقاق  
 بین پیروان ایشان مانند سایر ادیان جلوگیری گردد

---

(۱) صعود در اصطلاح بهائی یعنی فوت

حضرت عبدالبهاء

نامشان عباس فرزند ارشد حضرت بهاءالله بودند . در شب بعثت حضرت باب در سال ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق ۱۸۴۴ میلادی پا بصره وجود گذاشتند از ابتدای طفولیت در مصائب پدر خود حضرت بهاءالله شریک و سهمیم بودند نه ساله باتفاق پدر دچار تبعید و زندان شدند و موقعیکه موهایشان سپید شد در سن ۶۴ سالگی از زندان سلطان عثمانی آزاد شدند .

در این هنگام امر بهائی به بیست کشور در آسیا اروپا و آمریکا نفوذ کرده بود . بنا بر دعوت بهائیان اروپا و آمریکا در سال ۱۹۱۰- باروپا و آمریکا مسافرت فرمودند و در هر کشور در معابد مذاهب مختلف در دانشگاهها و

مجامع فرق متنوعه به بیان و تشریح تعالیم حضرت بهاء الله پرداختند و عالم انسانی را متوجه این تعالیم فرمودند و در همه جا بروشنی بیان داشتند اگر عالم انسانی در ظلّ خیمه یکرنگی حضرت بهاء الله وارد نشود عواقب موحش و جانگدازی گریبان گیر عالم انسانی خواهد شد و هر چه بر غفلت بشر نسبت باین تعالیم آسمانی افزوده گردد بر شدت رنجها و نابسامانیها و پریشانیهای ملل عالم میافزاید سپس در سال ۱۹۱۳ بمقرّ خود شهر حیفا مراجعت فرمودند و در تمام مدت عمر پس از صعود پدر بزرگوارشان به تبیین و تفسیر و تکمیل و ترویج آثار و بیانات و تعالیم حضرت بهاء الله شب و روز مشغول بودند تا آنکه در سن ۷۷ سالگی در سال ۱۹۲۱ میلادی صعود فرمودند.

آثار بسیاری از ایشان بجای مانده است  
از جمله الواح وصایای ایشان است که در آن  
اضافه بر مطالب مهم راجع بتشکیلات و نظم  
اداری بهائی جانشین خود را بعنوان مبین  
و ولی امر الله تعیین فرمودند تا امر بهائیان  
مانند سایر ادیان دچار اختلاف و انشقاق  
نگردد و ایشان حضرت شوقی ربّانی بزرگترین  
نوه حضرت عبدالبهاء میباشند .

### حضرت ولی امر الله

نامشان شوقی ربّانی بود که طبق مندرجات  
الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بعنوان مبین  
ولی امر بهائیان زمام امور جامعه بهائیان را در سراسر  
عالم در سن ۲۴ سالگی بدست گرفتند و جامعه  
غیرمتشکل بهائیان را در سراسر عالم طبق نصوص و  
اصول اداری بهائیان متشکل فرمودند و قوام

و دوامی سریع و ابدی بخشیدند و بتحکیم  
 اساس تشکیلات بهائی طبق نقشه حضرت  
 بهاء الله و دستورات حضرت عبدالبهاء  
 پرداختند . و نیز به تبیین و تفسیر آثار  
 نازله از قلم حضرت بهاء الله و حضرت  
 عبدالبهاء و تشویق بهائیان به تبلیغ تعالیم  
 بهائی همت گماشتند و بترجمه آثار بهائی  
 بزبان انگلیسی در غایت فصاحت و بلاغت و تا  
 کتبو رسائلی بس مهیمن و عظیم در باره نقشه  
 عظیم الهی و تعالیم بهائی ونحوه تأسیس  
 مدنیت حضرت بهاء الله بر روی کره زمین  
 وساختمان تأسیسات مهمه در مرکز عالم بهائی  
 یعنی شهر حیفای با همکاری بهائیان سراسر  
 عالم مدت سی و شش سال شب و روز بدون وقفه  
 تا پایان عمر کوشیدند .

در مدت ۳۶ سال قیادت جامعه جهانی بهائی پایه های نظم اداری بهائی را چنان استوار نمودند که جامعه بهائی متشکل از ملل مختلفه و نژادهای متنوعه و سوابق مذهبی گوناگون با توجه بدستورات و هدایت حضرتش فقط در ظلّ تشکیلاتی که در آثار حضرت بهاء الله پیش بینی و در آثار حضرت عبدالبهاء تکمیل و بعضا در زمان حضرتش تشکیل و تأسیس شده بود و در زمان حضرت ولی امرالله تحکیم و ترویج گردیده بود توانست بدون ابتلاء به انشقاق بحیات روحانی خویش ادامه داده و با سرعتی بیش از پیش بنحوی شگفت انگیز بانتشار تعالیم الهی در سراسر کره زمینی در دورترین نقاط شمال و جنوب و شرق و غرب در ممالک و جزایر موفق گردد و سرانجام طبق



پیش‌بینی و نقشه حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۶۳ درست یکصد سال تمام پس از اعلان امر الهی و ابلاغ پیام آسمانی از طرف حضرت بهاء الله بروسای عالم و اتمام حجّت به فرد ایشان بتأسیس تنها مرجع و بالا ترین و عظیم ترین و مقدّس ترین مجمعی که طبق تعلیم حضرت بهاء الله مصون از خطا و محفوظ از اشتباه است بنام بیت عدل اعظم الهی موفق گردد .

راجع به بیت عدل اعظم در صفحات بعدی توضیحات بیشتری داده خواهد شد .  
 بنابراین جامعه بهائی برای همیشه تحت قیادت این مرجع منصوص و عالیترین هیئت تشکیلاتی بهائی بحیات خود ادامه میدهد .

## اصول اعتقادات و تعالیم بهائی

مممممممممممممممممممممممم

بهائیان معتقدند بدون دین تحصیل سعادت حقیقی برای نوع انسان مقدور نیست و بهمین دلیل در زمانهای مختلف گذشته افرادی بنام پیامبران در میان مردم ظاهر شدند و مردم را بسعادت حقیقی که عبارت از رعایت اصول انسانی است دعوت کردند و در این راه حتی از دادن جان خویش دریغ نکردند و در آینده نیز پیامبرانی برای هدایت نوع انسان ظاهر خواهند شد . گرچه فروع احکام و اوامر و تعالیم هر یک از انبیاء الهی متفاوتست ولی اساس جمیع ادیان الهی یکی است و تمام پیامبران برای يك هدف واحد که ایجاد الفت و محبت بین

ابناء بشر است از جانب خداوند مبعوث شده اند .

بر اساس این اعتقاد بهائیان قوانینی را قادر بر اداره امور بشر و رفع مشکلات و تأمین کلیه نیازهای او میدانند که مبنای قدسی و الهی داشته باشد بنابراین تمسک بدین را واجب و ضرور می‌شمارند .

حضرت بهاء الله توصیه می‌فرمایند که برای اصلاح جامعه باید فرد فرد افراد انسانی تربیت روحانی شوند و آداب رحمانی بیاموزند و به عواطف انسانی بیامیزند تا اجتماعی صالح و سرانجام جهانی تازه بوجود آید .

بهائیان برای تربیت فرد و اجتماع عامل زمان را بسیار مؤثر میدانند و معتقدند که برای تربیت و تعدیل اخلاق مرور زمان یکی از

شرائط اصلی است و امر تربیت از اموری است که  
 اجبارا بتدریج انجام میگیرد .  
 بالاخره بهائیان تأثیر و نفوذ تعالیم  
 فرعی هر يك از ادیان را محدود بزمانی معین  
 و اصول آنها را ابدی و لایتغیر میدانند و  
 معتقدند که همچنان این تفسیر و تبدیل پیوسته  
 ادامه دارد زیرا نوع انسان پیوسته در ترقی  
 و تکامل است .



## خ\_\_\_\_\_دا

مهمممممم

بہائیان مانند کلیہ پیروان ادیان الہی  
 خداوند یگانه رامیپرستند و انسانرا از درك  
 حقیقت ذاتش عاجز میدانند ولی وجودش را  
 بدلائل عقلی و منطقی اثبات مینمایند و معتقدند  
 کہ بشر مستقیما قادر نیست چنین حقیقتی را کہ  
 از ادراك ذاتش عاجز است بدون واسطہ بشناسد  
 و در حقیقت تفاوت مراتب را مانع از درك و عرفانش  
 میدانند . بنابراین انبیاء الہی را تنها وسیلہ  
 شناسائی و رابطہ با او میشناسند و مرجعی جز  
 این وجودات مقدسہ نمیشناسند و معتقدند  
 کہ باید توجہ بانبیاء الہی نمود والا خدائی کہ  
 انسان باقوہ تصور و تخیل خویش تجسم نماید

زاده و مخلوق فکر او است نه خالق و آفریدگار  
 او . ولی بهیکل جسمانی پیامبران ناظر  
 نیستند بلکه توجه بحقیقتی که ایشانرا ممتاز از  
 سایر افراد انسان نموده دارند .

بہائیان عبادت را اظهار عشق و محبت  
 بخداوند میدانند - نه صرفا زمزمه الفاظ  
 و کلمات .

محبتی که بہائیان بخداوند دارند ناشی  
 از ترس از غضب و خشم خداوند مهربان نیست  
 بلکه ناشی از عشق واقعی بذات خداوند یگانه  
 است و این محبت محدود باو نبوده بلکه چون  
 کلیه موجودات را مخلوق اراده حق میدانند  
 بنابراین بجمیع موجودات با نظر محبت مینگرند  
 بالاخص محبت بہائیان نسبت بافراد بشر خالی  
 از هرگونه تعصبات و قیودات مذہبی و سیاسی

وجنسی و اقتصادی و نژادی است .

پس خداشناسی در نظر بهائیان این است  
 که شخص بجمیع ابناء نوع انسان حقیقی  
 بحیوانات مهربان بوده محبت او خالی از هر  
 گونه مقاصد شخصی و مذهبی و وطنی و سیاسی  
 و اقتصادی و نژادی باشد .

حضرت بهاء الله پیروان خود را موجد  
 بمعاشرت و الفت با جمیع نفوس از هر طبقه  
 و مذهب و نژاد و کشور در نهایت محبت و احترام  
 امر میفرمایند .

حضرت عبدالبهاء چنین تعلیم میدهند که  
 هر چه یکدیگر را بیشتر دوست بداریم در درگاه  
 خداوند مقرب تر میشویم .



## تحرّی حقیقت

مممممممممممممممم

بهائیان معتقدند اینهمه اختلافات  
 نابودکننده ای که بشر را بسرعت بسوی نیستی  
 پیش میبرد و روز بروز سرنوشت بشر را وخیم تر  
 وهراسناک تر مینماید ناشی از تقلید است .  
 حضرت بهاء الله تعلیم میدهند که ما افراد  
 بشر در هر امری با احساسات و ادراکات خود  
 قضاوت کنیم و بی دلیل شخصیت ذاتی خود را  
 تحت تأثیر اراده افرادی که عقاید خود را با  
 انواع نیات شخصی و غرضهای خصوصی میخوا  
 بر ما تحمیل نمایند قرار ندهیم در تحقیق مسائل  
 مختلف شخصا اقدام کنیم . با گوش خود بشنویم  
 با چشم خود به بینیم و با احساسات و ادراکات



خود تحری کنیم و در هنگام تحری حقیقت قلب و فکر خود را از هرگونه قید برهانیم و اتمام دل بحقیقت توجه کنیم و آنرا جستجو نمائیم و لسی منظور از این تعلیم آن نیست که خود را بالا تر از همه تصور کنیم و بسخنان دیگران بی اعتنائی نمائیم بلکه بهائیان مأمورند در جمیع امور با افراد متخصص و بی نظر و بی غرض مشورت کنند ولی تصمیم نهائی و غائی را خود بشخصه اتخاذ نمایند .

روایات دیگران را میزان درک حقیقت قرار ندهند و بقوای بینائی و شنوائی و ادراک و احساس خدادادی خود بنظر بی اعتنائی ننگرند چه که این قوا صرفاً برای درک مطالب و حقایق و کشف واقعیات بما عطا شده است و اگر قرار بود که فقط عده محدود و معدودی قادر بر درک

(۳۰)

حقیقت باشند و مسائل را بفهمند و سرانجام <sup>جمع</sup> تر  
تقلید گردند خلق قوای عقلانی و تمیز در سایر  
افراد بشر بیهوده و بی شمر است .

خلاصه آنکه حضرت بهاء الله برای هر يك

از افراد انسانی بدون هیچگونه امتیازی شخصیت  
مستقل انسانی قائل هستند و آنها اختیار داده اند

با میزان معقولات و محسوسات خود قضاوت نمایند  
و اظهار نظر کنند . عقاید دیگران هر چند ممکن است  
مقرون بحقیقت باشد اما نباید بی چون و چرا  
مورد قبول یا رد قرار گیرد .

در آثار بهائی اینطور است دلالت شده است که

اگر افراد بشر با قلبی خالی از هرگونه حب و بغض

خواهد آن حقیقتی که کافل و حافظ سعادت انسان

باشد گردند و در وصول بآن جدّ و جهد نمایند منتهی

بوحدهت و یگانگی نوع انسان خواهد شد زیرا حقیقت

یکی است و تعدد قبول ننماید .



ثروت و غنا و بالاخره مذهب و وطن نیز

میزان امتیاز نمیتواند باشد .

در اصل همه بندگان يك خداوندند خدا

بهمه مهربان است و بین آنها تفاوتی قائل

نشده چرا ما تصورچنین برتری نمائیم .

در ساحت قدس الهی امیر و فقیر یکسانند

وعزیز و حقیر مساوی آسیائی و اروپائی زرد و

سرخ و سفید و سیاه برابرند هیچیک را بر

دیگری رجحانی نیست .

بہائیان معتقدند مبنای اعطای حقوق

انسانی بانسانها براین اساس است که همه

افراد بشر انسانند و مسائل دیگرکه ظاهرا آنها

را از یکدیگر مشخص کرده است نمیتواند مبنای

اعطاء حقوق انسانی به بعضی دون بعضی

دیگر گردد .

بہائیان معتقدند اختلافاتی که در حال حاضر در بین افراد بشر از هر نظر موجود است ناشی از تعصبات جاهلانه ای میباشد که محصول جهل و نادانی ایشان است .

بعقیده بہائیان این تعصبات مانع بزرگی است برای ایجاد صلح و سلام و وحدت و یگانگی و بالاخره سدّی است بین بشر و سعادت حقیقی او و تا این مانع یعنی تعصبات موجود است هرگز بشر روی خوشبختی نخواهد دید زیرا جنگهایی که صفحات تاریخ شاهد آنست براساس یکی از این تعصبات بوجود آمده است و رفع آن جز بقوه تربیت حقیقی انسانی والہی امکان پذیر نیست . باید طرز تفکر بشر بہ نیروی تربیت روحانی تغییر یابد والاّ قوانین موضوعہ بشری و مقررات منجمد کہ مخلوق عقل و فکر ناقص

ما است قادر بحلّ این مشکل بزرگ عالم انسانی  
 نخواهد بود . اگر دقت شود بهائیان در سر  
 عالم با چشم برادری و برابری بیکدیگر مینگرند  
 و خالی از هرگونه تعصب ، بحقیقت یکدیگر را  
 دوست دارند و چنان به نیروی تربیت روحانی  
 حضرت بهاء الله بایکدیگر مألوف و مأنوس  
 گشته اند که اگر وارد مجالس ایشان گردیم هیچ  
 تصور نمیکنیم که از هر ملت و نژاد و مذهب  
 در آن مجمع جمعند و حال آنکه قبل از آن در  
 نهایت عداوت و دشمنی بایکدیگر بسر میبرده اند  
 بهر حال بهائیان بهمه اهل عالم مهربانند  
 وهمه را مخلوق خداوند میدانند و برای ایشان  
 سفید و سیاه و زرد و سرخ و آسیائی و آفریقائی  
 و غیره مفهومی ندارد همه را انسان میخوانند  
 و جمیع را انسان میدانند و همه را در حقوق انسانی

برابر و مساوی میپندارند .

میزان امتیاز در نزد بهائیان طبق تعالیم بهائی علم و عمل و اخلاق و دانش است نه وطن و مقام و این امتیازات نیز بنظر بهائیان موجب ایجاد حق برتری نیست .

گرچه تفاوت مراتب از لحاظ اخلاقی و تربیتی و علمی در میان بشر موجود است ولی بفرموده حضرت عبدالبهاء " بعضی ناقص هستند باید اکمال گردند جاهل هستند باید تعلیم یابند مریض هستند باید معالجه شوند خوابند باید بیدار گردند طفل را نباید مغبوض داشت که چرا طفلی باید او را تربیت نمود مریض را نباید مغبوض داشت که چرا ناخوشی باید نهایت رحمت و محبت با او داشت " .

طبق تعالیم حضرت بهاء الله حتی میان

مؤمن و غیر مؤمن و موحد و مشرک فرقی نیست و همه آنها در برابر قوانین اجتماعی و مدنی دارای حقوق واحدند و روابط ظاهری ربطی بعالم دیانت ندارد و افراد اجتماع انسان در هر لباسی در برابر قوانین اجتماعی و مدنی و انسانی یکسانند و هیچ تفاوتی در بین آنها نیست .

حضرت بهاء الله از يك طرف نجس شمردن افراد را منع فرموده اند و از طرف ديگر خريد و فروش انسان را بگلي منسوخ و ممنوع اعلام داشته اند  
وحدت عالم انسانی هدف دیانت بهائی است و جمیع تعالیم بهائی یا موجبات وصول باین هدف را فراهم میکند و یا بتخریب و رفع موانع موجوده برای وصول باین هدف مقدس میپردازد.



## اختلافات نتیجه اختلاف اصول

## تربیتی است

مممممممممم

در دیانت بهائی با مرتعلیم و تربیت اطفال  
 فوق العاده اهمیت داده شده تا جائی که  
 حضرت بهاء الله پدری را که در امر تعلیم و تربیت  
 فرزند خود غفلت میورزد گناهکار غیر قابل بخشش  
 شمرده و حق پدری را از او ساقط میفرمایند  
 در پرتو این حقیقت امر تعلیم و تربیت در دیا  
 نتهائی برای پدر و مادر اجباری است نه اختیار  
 و از طرفی عمومی است نه محدود بمحدود و ی چند  
 و اگر والدین استطاعت نداشته باشند مرجعی  
 پیش بینی شده که تربیت طفل را بعهده میگیرد  
 اما در صورتیکه والدین استطاعت داشته باشند  
 ولی قصور نمایند مرجع پیش بینی شده موظف است

که مخارج تربیت و تعلیم طفل را از والدین گرفته و مجری این امر خطیر گردد .

طبق تعالیم حضرت بهاء الله بهائیان معتقدند که اصول تعلیم و تربیت اطفال در سراسر کره زمین باید بر اساس واحد باشد و وحدت تعلیم و تربیت قهرا یکی از اساسی ترین اقدامات و بلندترین گامهای علمی است که بایجاد صلح و وحدت بین افراد نوع انسان کمک میکند .

وحدت تربیت خود موجب وحدت فکرو یگانگی هدفهای انسانی و ایجاد محبت خواهد شد زیرا اساس تربیت بهائی بر تقویت روح عشق و محبت و ترک تعصبات و جهان بینی و صلح و آشتی استوار است و نسلی که با این روش تحت تربیت قرار گیرد بیگمان نسلی است که تخم محبت و صلح و آشتی در دلهایش کاشته میشود

در امر بهائی بامر تربیت بیش از تعلیم  
 اهمیت داده شده . حضرت عبدالبهاء  
 تعلیم میدهند که مدارس علوم باید دبستان  
 تربیت و آداب و اخلاق و نورانیت و روحانیت  
 باشد و از همان اوان باید اطفال را با آداب  
 رحمانی و فضائل انسانی آشنا نمود و اینطور  
 استدلال میفرمایند که "طیب بد خو و خائن  
 سبب هلاک گردد و علت انواع امراض" و تأکید  
 میفرمایند که "باید اساس دبستان اول تعلیم  
 آداب و اخلاق و تحسین اطوار و کردار باشد".  
 نکته دیگری که در اصول تربیت بهائی قابل  
 توجه است این است که باید اطفال را از کودکی  
 بسختی در انجام امور مشکل عادت داد تا قسوی  
 البنیه شوند و قدرت مواجهه با مشکلات زندگی  
 را بدست آورند ولی زجر بدنی بمنظور تنبیه بکلی

نهی شده و تعلیم میفرمایند که برای تنبّه اطفال  
 اگر لازم باشد زجرلسانی کافی است آنها هم  
 بقدری که احساسات لطیف طفل جریحه دار  
 نگردد .

در دیانت بهائی تحصیل علوم تجویز  
 شده که مشرشر باشد و افراد اجتماع از آن  
 بهره مند گردند نه علمی که از حرف شروع و  
 بحرف ختم میگردد .

از طرفی مقام علم و هنر در نظر بهائیان  
 بسیار پر ارج است و دانشمندان و هنرمندان  
 پیوسته مورد احترام و تجلیل اند . حضرت  
 عبدالبهاء علوم را یکی از بزرگترین وسائل  
 نجات عالم انسانی از تیره گیهای اختلافات  
 نابودکننده میدانند بنابراین مروجین علوم  
 را محترم و عزیز میدانند زیرا بنجات ورستگاری

عالم انسانی کمک و مساعدت مینمایند .  
 موضوع قابل توجه دیگر این است که در  
 آئین بهائی به تربیت دختران بیش از پسران  
 اهمیت داده شده است و اینطور است که دلال  
 میشود که این دختران روزی مادران گردند  
 و اول مربی طفل مادر است و هرچه مادران از  
 نظر تربیت و تعلیم پیشتر باشند در نتیجه  
 نسلی که در دامن آنها پرورش مییابد نافع تر  
 بحال عالم انسانی خواهد بود .

\*\*\*\*\*

## دین و علم

طبق تعلیم حضرت بهاء الله اساس عقاید بهائیان بر پایه علم و عقل استوار است . بدین معنی که آنچه از مسائل دینی با علم صحیح و مسلم تطابق نکند مخالف علم است و آنچه مخالف با علم نماید جهل و وهم است نه حقیقت و دیانت مخالف جهل و مروج حقیقت است .

بهائیان معتقدند نه تنها دین الهی مخالف با علم صحیح نیست بلکه مروج آنست چنانکه تمدنهای عظیم بر اثر ظهور انبیاء الهی مانند حضرت زردشت - حضرت موسی - حضرت عیسی و حضرت محمد بوجود آمده است .

بالاخره بهائیان معتقدند که دیانت مروج

علم و خالق آن است و هیچگونه اختلافی بین  
دین و علم وجود ندارد بلکه علم حقیقی همان  
دین الهی است .

ولی باید توجه داشت که حقیقت دین با  
پیرایه هائی که بر اثر مرور زمان بدست پیروان  
ادیان باصل آئین الهی بسته شده متفاوتست  
و این پیرایه هارا نباید با اصل دینانست  
توام نمود .

همچنین باید فرضیه های علمی را که هنوز  
صورت قطعیت و مسلم علمی بخود نگرفته و پایه و  
اساسش علما و منطقا استوارنگشته از علوم مسلّم  
ثابت جدا دانست .

از طرفی نباید اشتباه کرد که آنچه در آثار  
انبیاء واردگشته همان معنای ظاهری و لفظی  
آن مراد است بلکه طبق عقیده بهائیان

بسیاری از کلمات و جملات و مطالب کتب مقدّسه تشبیهاتی است که گرچه ظاهراً با علم تطابق نمیکنند ولی پس از تدقیق در معنای اصلی معلوم میشود که مابین با اصول مسلم علم نیست .

نکته قابل توجه دیگر این است که چه بسیار از بیانات علمی انبیاء که با علم همزمان خود مخالف بوده و پس از گذشت زمان که بشر بعد از تحقیقات و مطالعات بیشتر و با وسایل کاملتر صاحب نظریات جدید علمی شده بیانات انبیاء را در زمینه های علمی اثبات و نظریات علمی قدیم را ردّ نموده است .

پس از اینجهت باید گفت ممکن است که در بیانات انبیاء مسائلی یافت شود که ظاهراً با علوم معاصر خود مخالف است ولی بدون شك <sup>چه</sup> باتوجه بسوابق تاریخی زمانی علم آن مطالب را تصدیق



خواهد کرد و به نارسائی نظریات قدیم علمی  
 پی خواهد برد . بهائیان در این مورد اینطور  
 نتیجه میگیرند که علوم و عقول ممکن است خطا  
 کنند و مرتکب اشتباه شوند زیرا علوم و عقول  
 در مسیر تکامل در حرکتند ولی با آنکه ادیان  
 الهی از جهت دارای سیر تکاملی هستند ولی  
 هیچیک از انبیاء الهی برخلاف علم صحیح  
 سخن نگفته اند و این تغییر و تبدیل ادیان  
 بمقتضای تغییر و تبدیل شرایط زندگی نوع  
 انسانی است .

طبق این عقیده آنچه از آثار انبیاء الهی  
 ظاهراً با فرضیه های علمی زمان مخالف باشد  
 بی تردید آن فرضیه علمی غلط و روزی خواهد  
 رسید که حقیقت آن آشکار خواهد شد صرف نظر از  
 این مورد در جمیع مراحل و مطالب و مسائل

موافق با اصول مسلم علم صحیح میباشد .

### زبان و خط واحد ~~~~~

در آثار حضرت بهاء الله تعلیم دیگری برای  
 ایجاد حسن تفاهم و استحکام روابط دوستانه  
 و استقرار صلح و وحدت و یگانگی و الفت و  
 معاشرت بین جمیع افراد نوع انسانی و تسهیل  
 در امر تجارت و بازرگانی و تحصیل علوم و فنون  
 و آشنائی با اصول مدنیت هر یک از ملل عالم و  
 بالاخره ایجاد اتحاد در عالم انسانی وجود  
 دارد .

طبق این تعلیم باید دو زبان و دو خط  
 در مدارس عالم تدریس گردد یکی زبان و خط  
 مادری و وطنی و دیگری زبان و خط بین المللی

زبان و خط بین المللی را باید انجمنی مرکب از  
 دانیان زبان شناس یا از بین زبانها و خطوط  
 موجود یکی را انتخاب و یا بصورت زبان و خطی  
 جدید اختراع نمایند . حضرت بهاء الله اظهار  
 امیدواری میفرمایند که بتدریج این دو زبان و  
 دو خط بیک زبان و یک خط منجر گردد تا عالم  
 انسانی حکم یک وطن را پیدا کند و افراد ساکن  
 کره ارض چون افراد یک کشور بنظر آیند .

با اجرای این تعلیم ساده و عملی همه افراد  
 نوع بشر مستقیماً بایکدیگر مرتبط شده و مشکل زبان  
 به بهترین وجهی حل گردیده و این خود باعث  
 نزدیکی بیشتر نوع انسان و حسن تفاهم بین  
 ایشان میشود .

از طرفی عمر انسانها عموماً بالا جبار مصروف فرا  
 گرفتن چندین زبان و خط میگردد صرفه جویی

شده و در راه فراگرفتن مطالب مفید صرف  
میشود زیرا دانستن زبان فی نفسه علم نیست .

### تساوی حقوق زنان و مردان

~~~~~

یکی از تعالیم اساسی حضرت بهاء الله
تساوی حقوق رجال و نساء است .

بهایان طبق این تعلیم معتقدند که زن و
مرد هر دو انسانند و هیچگونه امتیازی از نظر
انسانی بریکدیگر ندارند از اینجهت باید در
جمیع حقوق اجتماعی برابر باشند .

بهایان معتقدند زنان مانند مردان
دارای استعداد کسب علوم و ترقی در مدارج
دانش و هنرمیباشند اگر بظاهر زنان در بعضی
از امور از مردان عقب افتاده اند باین دلیل

است که بر اثر طرز تفکر بشر در قرون و اعصار گذشته زنان مانند مردان مورد تعلیم و تربیت و توجه قرار نگرفته اند و در حقیقت زنان امروز محصول قرنهای محرومیت از تعلیم و تربیت هستند برای اثبات استعداد زنان همین بس که در سالهای معدود اخیر که جامعه نسوان به آزادی‌های نسبی دست یافتند اینک برخی از ایشان هم‌دوش مردان هستند و برخی از آنها نیز از بعضی از مردان پیشی گرفته اند . پس خداوند در خلقت نیز تفاوتی بین زن و مرد از نظر هوش استعداد و شخصیت نگذاشته است .

طبق این تعلیم زنان در حقوق اجتماعی از قبیل حق تعلیم و تربیت عضویت و خدمت در تشکیلات حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و در حقوق مدنی از قبیل ازدواج - طلاق

سن بلوغ و ارث و غیره بامردان متساوی هستند
 از طرفی بهائیان معتقدند که رعایت تساوی
 حقوق زنان بامردان در کلیه شئون بسیاری از
 مشکلات سیاسی و اجتماعی راحل میکند و تا
 این امر از هر جهت جامه عمل نپوشد این
 معضلات حل نخواهد شد .

ولی نباید حقوق را با وظایف اشتباه کرد
 و تصور نمود که اگر این تساوی برقرار گردد پایه
 و اساس خانواده که بر اثر وجود زنان کدبانو
 و کاردان استوار است متزلزل گردد و چون زنان
 مانند مردان در خالتی در تنظیم امور داخلی و
 خانوادگی ننمایند اختلاف عظیمی در جامعه
 انسانی ایجاد میگردد . زیرا بین وظیفه و حق
 تفاوت بسیار است و اعتقاد بتساوی حقوق اعتقاد
 بتساوی وظیفه نیست و بهائیان طرفدار

تساوی وظیفه نمیباشند . گرچه زنان نیز در بعضی از وظایف با مردان یکسانند مانند تربیت فرزند که بمسئله پدر و مادر هر دو است و سایر وظایف اجتماعی و سیاسی از قبیل خدمت بمعالم انسانی و صلح عمومی اما بخوبی پیدا است که بعضی از امور از وظایف خاص مردان و برخی از وظایف خاص زنان است .

بطور خلاصه تعلیم حضرت بهاء الله بر اساس تساوی حقوق است نه تساوی وظایف .

طرح اقتصاد بهائی
مهمه مهمه مهمه مهمه مهمه مهمه مهمه مهمه مهمه مهمه

پیش از بیان اصول حکمی که در زمینۀ مسائل اقتصادی در آثار حضرت بهاء اللّٰه و حضرت عبدالبهاء آمده است باید بنکات زیر توجه کرد :

۱- امر بهائی يك دستگاه اقتصادی نیست و هیچ مکتب خاصی را در زمینه اقتصاد معرفی نمی نماید .

۲- بهائیان طبق آثار حضرت بهاء اللّٰه معتقدند تا مشکلات موجود اقتصادی حل و برطرف نشود عالم انسانی روی آسایش نمی بیند .

۳- هدف دیانت بهائی از طرح اصولی در زمینه اقتصاد تعدیل معیشت و حل مشکلات

جهانی اقتصادی است .

- ۴- در آثار بهائی صرفاً بذکر اصولی در زمینه اقتصاد اکتفا شده زیرا مسائل اقتصادی مسائلی است که دائماً در تغییر و تبدیل است .
- ۵- بدون توجه به تعالیم اجتماعی بهائی حل مشکلات اقتصادی در سطح اجتماع و جهانی ممتنع است فی المثل ایجاد صلح عمومی و تأسیس حکومت متحده جهانی و اتخاذ سیستم اقتصاد جهانی و ایجاد وحدت اوزان و پول و از میان برداشتن سدهای گمرکی بی گمان بسیاری از مشاکل را یینحل فعلی اقتصادی حل خواهد نمود .
- ۶- اصول روحانی و اخلاقی که در آثار حضرت بهاء الله توصیه شده و افراد بهائی کوشش میکنند که مطابق آن رفتار نمایند نیز کمک مؤثری است در رفع مشاکل اقتصادی مانند

اعتقاد به مواسات و فداکاری برای دیگران
ورعایت فقراء .

اینک به بیان اصول کلی اقتصادی که در
آثار حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء آمده
است میپردازیم :

بطورکلی طبق تعالیم حضرت بهاء الله
اصلاحات اقتصادی باید از دهقان آغاز گردد
و سپس باصناف و طبقات دیگر اجتماع معطوف
شود زیرا عده کشاورزان نسبت بطبقات دیگر
چند برابر است .

حضرت عبدالبهاء اینطور تشریح میفرمایند
که در هر قریه ای مجمعی تشکیل گردد و مخزنی
تحت نظر این مجمع تأسیس شود این مخزن
عایدات و مخارج عمومی آن قریه را بعهده گیرد
عایدات یا واردات این مخزن از هفت طریق

تأمین گردد بشرح زیر :

- ۱- رسوم حیوانات
- ۲- مال بی وارث
- ۳- چیزی که یافته شود وصاحبش پیدا نشود
- ۴- $\frac{1}{4}$ گنج یافته شده
- ۵- $\frac{1}{4}$ ازمعادن مکشوفه
- ۶- تبرعات
- ۷- مالیات

این واردات در هفت راه مصرف میگردد :

- ۱- بهداشت عمومی
- ۲- ادای مالیات بحکومت مرکزی
- ۳- ادای رسوم حیوانات بحکومت مرکزی
- ۴- اداره معیشت ایتام
- ۵- اداره معیشت عجزه
- ۶- فرهنگ عمومی

۷- اکمال معیشت نیازمندان

از طرفی اگر مخزن مبالغی زائد بر مخارج فوق
داشت بصندوق عمومی کشور خویش تسلیم خواهد
کرد .

بدیهی است در صورتیکه برای مخارج ضروری
قریه کسر داشت از همان صندوق عمومی کشور
استعانت خواهد نمود .

طبق این طرح نسبت بکارگران بدادن مزد
اکتفانمیشود بلکه کارگران علاوه بر مزد از منافع
حاصله نیز سهمی عادلانه دریافت خواهند کرد .
در حقیقت زحمات کارگران تنها عاید کارفرمایان
نخواهد شد بلکه مقداری از سود حاصله نصیب
آنها میشود در اینصورت کارگران کارخانه را از آن
خود دانسته با صمیمیت بیشتر و صداقت کامل و
دلسوزی لازم و دلگرمی و امید بتأمین زندگی

حال و آینده بکار ادامه می دهند .
 با ایجاد این وضع صرف مبالغ هنگفتی
 برای بازرسی و کنترل کارگران دیگر ضرورت
 ندارد و چون کارگر خود را در منافع سهیم
 میداند در کار خود چه از لحاظ کیفیت و چه
 از نظر کمیت صرفه جوئی و دقت بیشتری خواهد
 کرد .

سدهائی که در طرح اقتصاد بهائی وجود
 دارد از تراکم سرمایه در نزد تعدادی معدود
 بنام سرمایه دار بطور قطع جلوگیری میکنند
 و در نتیجه بمرور زمان توزیع ثروت بوضع عادلانه
 متعادل خواهد شد .

این سدها بطور کلی بشرح زیرند :

۱- قانون ارث بهائی - بطور خلاصه

ثروت شخص متوفی به ۴۲ سهم تقسیم میگردد

وبین هفت طبقه بدین ترتیب قسمت میشود :

اول - فرزندان ۱۸ سهم
 (که بتساوی بین پسران و دختران تقسیم)
 میشود

دوم - زن یا شوهر $6\frac{1}{2}$ سهم

سوم - پدر $5\frac{1}{2}$ سهم

چهارم - مادر $4\frac{1}{2}$ سهم

پنجم - برادران $3\frac{1}{2}$ سهم

ششم - خواهران $2\frac{1}{2}$ سهم

هفتم - معلم $1\frac{1}{2}$ سهم

اگر هر يك از طبقات هفتگانه نباشند بترتیبی
 مقداری از سهم ایشان بصدوق عمومی تعلق
 خواهد گرفت و بقیه بفرزندان و اگر متوفی فرزندی
 نداشته باشد تمام سهم آنها بصدوق عمومی
 پرداخت خواهد شد .

بدیهی است این نوع تقسیم ارث در صورتی است که متوفی وصیت نامه نداشته باشد و یا وصیت کرده باشد که بر حسب قانون حضرت بهاء الله اموالش تقسیم گردد .

۲- در امر بهائی مالیات تصاعدی تصویب شده است .

۳- هر بهائی موظف است وقتی ثروتش معادل نوزده مثقال طلا رسید نوزده درصد آنرا جهت مصارف عمومی و روحانی بمرکز مخصوصی که در آثار حضرت بهاء الله پیش بینی شده است تقدیم نماید و این عمل يك وظیفه روحانی است .

۴- امر زکوة در این امر نیز مانند دیانت اسلام تصویب شده باید اجرا گردد و وجوه حاصله باید صرف نیاز نیازمندان شود .

در این طرح عظیم الهی ثروت های مملکت
 بکلیه ملل عالم تعلق خواهد داشت و روابط
 اقتصادی ممالک جهان بر اساس حسن تفاهم
 و بدون سدهای گمرکی با ایجاد یک روش در
 واحد پول و اوزان استوار خواهد شد .

امنیت بین المللی که مولود صلح واقعی
 است مانع صرف مبالغ گزاف در راه تکثیر آلات و
 ادوات جنگی خواهد گردید چون طبق تعالیم
 حضرت بهاء الله عالم یک وطن و مردم آن یک
 ملت گردند و رقابتهای غیر انسانی و مخرب
 اقتصادی بگلی از بین خواهد رفت .

نظارت یک هیئت جهانی بر تولیدات
 کشاورزی و صنعتی و تعدیل ثروت و توزیع آن
 بیگمان کلیه مشکلات فعلی را که زائیده رقابتهای
 اقتصادی - از دیار روز افزون آلات و ادوات جنگی

بعلت عدم امنیت و اعتماد بین المللی است
از بین میبرد .

در آثار بهائی دستورات اخلاقی و عملی
نیز وجود دارد که برفع بسیاری از مشکلات
اقتصادی کمک میکند . از جمله وجوب شرعی
کار است . حضرت بهاء الله تعلیم میفرمایند
که افراد انسانی باید بامور عام المنفعه مشغول
باشند زیرا کار نفس عبادت است و بدترین
نفوس نزد خداوند افراد بیکار هستند .
و نیز گدائی تحریم شده است حتی
دستگیری از گدا را نیز منع فرموده اند .

روئسای روحانی

مممممممممممممممممممممم

در دیانت بهائی افرادی بمفهوم روئسای روحانی وجود ندارد و برای انجام امور اجتماعی بهائیان حضرت بهاء الله مؤسسات و تشکیلاتی را در آثار خود پیش بینی فرموده اند و ایمن تشکیلات مرجع تمام امور بهائیان است و حتی تشریفات دینی و شرعی بوسیله همین تشکیلات اجرا میشود و اعضاء این تشکیلات نیز بر سایرین امتیازی ندارند و حقوق کلیه افراد در برابر قوانین یکسان است . در حقیقت افراد تشکیلات بهائی در خدمت جامعه خود هستند نه جامعه در خدمت افراد تشکیلات ولی اطاعت کامل وی چون و چرا از تشکیلات بهائی نه افراد این

تشکیلات اجباری است تا نظام اجتماع استوار
 بماند و از هرج و مرج جلوگیری گردد .
 بهائیان تکالیف روحانی و وجدانی خود را
 بنفسه انجام میدهند و در این قبیل امور خود
 بشخصه اقدام مینمایند .

آثاری که از قلم شارع و مبین دیانت بهائی
 حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء صادر
 شده است شخصا مطالعه و باوامر واحکام
 دستورات ایشان آگاه میشوند نه آنکه بوسیله
 افرادی بنام روسای روحانی که کارشان صرفا
 مطالعه الواح و آثار و راهنمایی دیگران باشد
 رهبری گردند .

امر بمعروف و نهی از منکر فردی و تقلید از
 عده ای بنام پیشوای مذهبی در دیانت بهائی
 شدیداً نهی شده و هرکس مختار است فارغ از

قیود تقلیدی فکر کند و آزادانه اظهار عقیده نماید؛ و کسی حق مداخله در اعمال و اقوال دیگران را ندارد ولی چنانچه فردی دست بافعالی آورد که مخالف شئون انسانی و مصالح جامعه باشد هیئت معینی (که از طرف جامعه فعلا سالی یکبار انتخاب میشوند و در موقع خود از آن یاد خواهد شد) باو تذکر میدهد و او را راهنمایی میکند و شخص بهائی موظف از اطاعت است مطابق تعالیم حضرت بهاء الله گناهکار بهائی حق ندارد نزد شخص دیگری اظهار گناه خود نموده طلب آموزش کند و یا باپرداخت وجهی بعنوان کفاره بزعم خویش خود را از عقوبت گناه رهائی بخشد بلکه افراد گناهکار بهائی باید در نزد خداوند مهربان و غفور و رحیم و رحمن توبه نمایند و از تکرار خطا خودداری کنند.

بالاخره حضرت بهاء الله بهائیان را تعلیم
 میفرمایند که بخداوند یگانه توجه کنند و در نزد
 او توبه نمایند و طلب آموزش و بخشش از او نمایند
 زیرا در غیر اینصورت مشرکند نه موحد .

تشکیلات بهائی

مممممممممممممممم

طبق تعالیم حضرت بهاء الله سه نوع
 تشکیلات محلی - ملی و بین المللی در
 جامعه بهائی وجود دارد که بیگمان در جهان
 آینده اساس نظم بدیع عالم انسانی خواهد
 بود .

۱- طبق اصول تعالیم اداری بهائی در
 هر محلی اعم از ده - قصبه یا شهر و قریه
 تعداد بهائیان ۲۱ سال تمام چه مرد و چه
 زن به نه نفر رسید تشکیل بیت عدل محلی

دهند که در حال حاضر بعنوان محفل روحانی محل معروف است .

۲- افراد بهائی در سراسر يك کشور تعدادی نماینده انتخاب و در روزهای معینی این نمایندگان بعنوان انجمن شور روحانی ملی گردهم آمده پس از بحث و مطالعه در مسائل اجتماعی بهائی در آن کشور نه نفر از بین خود یا سایر بهائیان ساکن در کشور مربوطه انتخاب میکنند این نه نفر انجمنی میآرایند بنام بیت عدل ملی یا بیت عدل خصوصی که در زمان حاضر محفل روحانی ملی خوانده میشود .

۳- اعضاء بیوت عدل ملی در سراسر عالم بهائی در روزهای معین در مرکز جهانی بهائی یعنی شهر حیفا گردهم آمده و نه نفر را از بین خود یا سایر بهائیان جهان انتخاب میکنند این

نه نفر بعنوان بيت العدل اعظم گردهم میآیند
 این مرجع طبق نصوص حضرت بهاء الله مصون
 از خطا و محفوظ از اشتباه است . توضیح آنکه
 کلیه امور مبهمه در آثار بهائی و وضع قوانین
 غیرمنصوصه بمعهده این مرجع که در حقیقت
 قوه مقننه جهانی است میباشد .

وظایف هر يك از این بیوت عدل قبلا از طرف
 حضرت بهاء الله تعیین و از طرف حضرت
 عبدالبهاء تبیین شده و این تأسیسات از طرف
 جامعه بهائی بقیادت و هدایت حضرت ولست
 امرالله در سراسر عالم بهائی تأسیس گشته است
 و روز بروز بر تعداد این تأسیسات افزوده میشود .

اما اساس نظم بدیع حضرت بهاء الله
 جلساتی است بنام ضیافت نوزده روزه که آن عبارتست
 از اجتماعاتی که بهائیان در سراسر عالم در

هر نوزده روز یکبار گردهم می‌آیند و علاوه بر زیارت الواح و آثار بهائی و تلاوت دعا و مناجات بدرگاه حضرت پروردگار و طلب تائید و توفیق برای اجرای تعالیم مقدس بهائی اخبار و بشارات مربوطه به جوامع بهائی اعم از اخبار محلی ملی و بین‌المللی که از طرف محفل روحانی محلی منتشر شده بسمعشان میرسد .

در ضیافت نوزده روزه محفل محلی و محفل ملی مطالب و مشکلات خود را در معرض مشورت عموم افراد جامعه گذاشته و از آنها می‌خواهد تا نظرات و پیشنهادات خود را باین دو مرجع بدهند و یا هرگونه نظری دارند بمشورت گذاشته در صورت قبول اکثریت اعضاء ضیافت بمعرض محفل روحانی محلی و یا از طریق محفل روحانی محلی بمعرض محفل ملی خویش برسانند.

ذکر این دو نکته لازم است :

اول - هر يك از افراد بهائی میتواند نظرات خویش را بمحفل محلی یا محفل ملی و یا حتی بیت العدل اعظم که يك هیئت جهانی است مستقیماً تقدیم نماید .

دوم - اجرای هر يك از این پیشنهادها چه فردی و چه بصورت دسته جمعی منوط بتصویب محفل روحانی محلی است ، در صورتیکه جنبه محلی داشته باشد . و منوط بتصویب محفل روحانی ملی است در صورتیکه جنبه ملی داشته باشد و منوط بتصویب بیت العدل اعظم است در صورتیکه جنبه بین المللی داشته باشد .

توضیح آنکه محافل محلی و ملی و بیت عدل اعظم در تصویب یا ردّ پیشنهادات وارده دارای اختیار مطلق میباشند .

ضیافات نوزده روزه در نظم اداری بهائیی
 بعنوان اساس این نظم بشمار میرود چه که
 افراد بهائی هر نوزده روز یک بار گرد هم می آیند
 و نظرات خویش را در معرض مشورت می گذارند
 و خواسته های خویش را بعرض مقامات مسؤل
 میرسانند و در حقیقت بنحوی مؤثر در اداره امور
 جامعه خویش دخالت میکنند .

تشکیلات بین المللی بهائیی

~~~~~

پس از جنگ اول جهانی و بالاخص بعد از  
 جنگ دوم جهانی کم کم افکار عمومی برایش  
 ضایعات وارده بهیکل عالم انسانی متوجه صلح و  
 سلام شد و احساسات اهل عالم تمایل بصلح  
 پدیدار گردید .

از آن تاریخ این تمایل بصورت آرزوی انسانها

قرن بیستم جلوه گری مینماید ولی ابرهای تیره  
تعصبات پیوسته خورشید صلح را در پشت خود  
پنهان میکند و هرگونه امیدی را در دل بشر  
آرزومند بصلح و آرامش میکشد .

صلح عمومی یکی از اساسی ترین تعالیم  
حضرت بهاء الله است و بهائیان معتقدند این  
آرزوی شیرین عالم انسانی جز از طریق تعالیم  
حضرت بهاء الله نمیتواند عملی گردد . این  
تعلیم از لحاظ زمانی سالها قبل از جنگ اول  
جهانی از طرف حضرت بهاء الله بعالم انسانی  
اعطاء شد .

با وجود انذارات صریح حضرت بهاء الله  
بسلطین عالم بعلمت عدم توجه ایشان باین اصل  
که مبنای سعادت فرزندان آدم است مفرورانه  
و جاهلانه دست با اقداماتی زدند که تاریخ

انسانیت را لکه دار و مقام او را از پایه بلند  
 و ارجمند خود پائین آوردند .

طبق این تعلیم باید جميع ممالك عالم  
 من دون استثناء با یکدیگر از در دوستی درآیند  
 و متحد شوند . جمعی بیارایند و در ایجاد حسن  
 تفاهم بین الملی کوشش کنند و سعی نمایند که  
 عالم انسانی از خطرات جنگ و خونریزی رانما  
 مصون و در امان باشند .

این تعلیم باید بوسائل و ترتیب خاصی  
 جامه عمل بپوشد و محافظت گردد . طبق طرح  
 شارع دیانت بهائی باید اولاً يك هیئت مقننه  
 جهانی در عالم تأسیس گردد و این هیئت در آثار  
 بهائی بعنوان بیت عدل اعظم تعبیر و تسمیه شده  
 که قوه تشریح است و واضع قوانین مطابق  
 مقتضیات زمان و احتیاجات نوع انسانی . قوانین

موضوعه این هیئت عالی جهانی باعتراف  
 بهائیان دارای وضع الهی و مبنای قدسی است  
 بهمین جهت بهائیان طبق تعلیم حضرت  
 بهاء الله معتقدند بیت عدل اعظم مصون از  
 خطا و محفوظ از سهو و اشتباه است .

ثانیا يك هیئت قضائیه جهانی باید  
 بوجود آید که در آثار بهائی بنام محکمه کبری  
 نام گذاری و ذکر شده است . این هیئت  
 باختلافات بین ملل و دول رسیدگی میکند و حکم  
 آن برای کلیه ملل و دول قاطع و نافذ است  
 این انجمن تحت قیادت و ارشاد بیت العدل  
 اعظم خواهد بود . ممالک فقط برای حفظ  
 انتظامات داخلی خویش میتوانند دارای سلاح  
 و افراد نظامی باشند و بدین ترتیب حل اختلافات  
 دول از طریق حکم محکمه کبری موجب خلع سلاح

و مانع جنگ میشود .

ثالثاً يك هيئت تنفيذيه جهانی كه  
 مستظهر به قوهٔ بین المللی است تصمیمات  
 متخذه محكمه كبری را تنفيذ خواهد كرد . با  
 اجرای این طرح عالم انسانی همیشه از خطر  
 ولطومات جنگ كه از بقایای ادوار بربریت است  
 محفوظ و مصون خواهد بود . ملل و دول عالم  
 علاوه از برخورداری از صلح و آرامش از تحمل  
 مخارج سنگین و ضایعات اقتصادی و مالی ناشی  
 از تجهیزات عظیم جنگ رهائی یافته و این خود  
 كمك بزرگی با اقتصادیات جهان خواهد كرد و سطح  
 زندگی مردم تا اندازه قابل ملاحظه ای بالا  
 خواهد رفت و بسیاری از مشکلات اقتصادی و مالی  
 عالم كه در زمان حاضر بعلت غفلت دول و ملل  
 از این تعالیم مقدسه روبه تزايد است بلكلی

حل خواهد شد .

در اینموقع ترقی در علوم و تکامل امور انسانی  
بوضع بی سابقه ای عملی خواهد شد زیرا که  
افکار عقلاء و علماء که در زمان صلح مسلح  
متمرکز در انسان کشی و تخریب و غرق در  
تعصبات جاهلیه سیاسی و اقتصادی است حصر  
در بهبود حیات افراد بشر و عمران و آبادی  
ممالک و شهرهای محروم از هرگونه وسائل و  
آسایش و آرامش و بهداشت خواهد شد .

### انتخابات

مممممممممممممم

طبق تعالیم حضرت بهاء الله بهائیان  
مأمورند در کلیه امور بالاخص امور اجتماعی با  
متخصصین و افراد مورد اعتماد خویش بمشورت  
پردازند تنها موردی که بهائیان ممنوع از

مشورتند مورد انتخابات اعضاء محافل روحانی  
 محلی - ملی و بیت عدل اعظم میباشد .

در انتخابات بهائی سه اصل باید رعایت  
 شود و آن سه اصل عبارتست از :

اصول آزاد بودن عمومی بودن و سرّی بودن .  
آزادی در انتخابات

پروپاگاندا و کاندیدا در انتخابات بهائی  
 مطلقاً تحریم شده است زیرا آزادی افراد  
 در اینصورت بنحوی از انحاء از بین می رود . در  
 پرتو این حقیقت سخنرانیهای تبلیغاتی  
 تحریک احساسات و عواطف افراد جامعه بهر  
 طریق شدیداً منع شده است .

عمومی بودن

هریک از بهائیان که عضو رسمی جامعه  
 بهائی هستند پس از اتمام سن ۲۱ سالگی



اعم از مرد یا زن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارد و هیچ مرجعی نمیتواند این حق را از او بگیرد .

### سـرّی بـودن

هیچیک از بهائیان حق ندارند که بر کیفیت انتخاب دیگری آگاه شود حتی اطلاع زوج بر کیفیت انتخاب زوجه و بالعکس منع شده است . بهائیان موظفند در خلال مدت یکسال درباره نفوسی که میخواهند بعنوان عضو محفل روحانی خویش انتخاب نمایند مطالعه کنند و اساس انتخاب خویش را بر تشخیص سه صفت در انتخاب شدگان قرار دهند :

سلامت نفس ایمان فعالیت  
پس از مطالعه و رعایت این سه شرط در افراد بدرگاه خداوند مناجات کند تا او را در انتخاب

بهترین افراد جهت عضویت محفل روحانی  
محل خویش هدایت فرماید .

طبیعت  
نظم اداری بهائی  
MMMMMMMMMMMMMMMMMMMM

تشکیلات اداری بهائی با هیچیک از انظمه  
موجود یا قدیمی جهان در سراسر تاریخ قابل  
قیاس نیست زیرا از نظر روح و شکل بی نظیر  
ومشیل است . برای مزید اطلاع ترجمه قسمتی از  
یکی از آثار حضرت شوقی ربّانی ولی امر بهائی  
را در این زمینه ذیلا درج مینماید :

" ..... قیاس این نظم فرید الهی با  
نظامات متنوعه ای که عقول بشری در ادوار مختلفه  
تاریخیه برای اداره مؤسسات خویش ایجاد  
کرده است کاملا خطا است نفس این قیاس

بخودی خود میرساند که بشأن و منزلت صنع  
 بدیع مؤسس عظیم الشانش پی نبرده ایسم  
 و چون در نظر آریم که این نظم بدیع عینا همان  
 مدنیت الهیه ایست که شریعت غزای حضرت  
 بهاء الله باید در ارض مستقر سازد البتّه  
 چنین مقایسه ای را جائز نشماریم ..... هر چند  
 این نظم اداری نوظهور دارای مزایا و عناصر<sup>ست</sup>  
 که در سه حکومت عرفی مذکور نیز موجود ولکن  
 بهیچوجه مطابق هیچیک از آن حکومت نبوده  
 از عیوب اصلیه و فطریه آنان عاری و مبرا است.  
 این نظم اداری بهائی حقایق سلیمه ای را که  
 بدون شك در هر یک از انظمه مذکور موجود است  
 بیکدیگر التیام و ارتباط میدهد بدون آنکه  
 حقایق خدادادی را که آن نظم جهان آراء  
 مبتنی بر آنست ضایع و مهمل سازد و این امریست

که هرگز انظمه فانیه بشری باجرای آن موفق  
نگشته است ..... ”

اینک برای توضیح بیشتر توجه خوانندگان  
ارجمند را باین نکات جلب مینماید :

درنظم اداری بهائی ازطرفی انتخابات  
ازهرجهت آزاد است زیرا درانتخابات بهائی  
کاندید و پروپاگاندا تحریم شده است تا  
آزادی انتخاب کنندگان تأمین گردد و لسی  
منتخبین مسئول منتخبین یا افراد ملت نیستند  
یعنی دروهله اول مسئول درمقابل خداوند  
ودروهله ثانی مسئول مقام مافوق تشکیلاتی  
خود میباشند .

درنظام اداری بهائی هر نوزده روزیکبار  
تمام افراد بهائی درجلسه ای بنام ضیافت  
نوزده روزه اجتماع میکنند که یکی ازبرنامه های

این ضیافت شور و مشورت درباره مسائل  
 محلی و ملی و بین المللی مربوط به جامعه خود  
 می باشد که تصمیمات متخذه عینا وسیله منشی  
 ضیافت بمرض محفل روحانی (که در آینده به  
 بیت العدل محلی نامگذاری خواهند شد) <sup>طه</sup> مربوط  
 میرسد در حقیقت افراد جامعه بطور منظم هر  
 نوزده روز یکبار میتوانند نظریات خویش را بمحفل  
 روحانی تقدیم نمایند البته حق مراجعه افراد  
 به محفل روحانی پیوسته محفوظ است و لسی  
 محفل روحانی مجبور نیست که آنچه پیشنهاد شد  
 قبول نماید و در حقیقت در تصویب یا رد آن  
 پیشنهادات فاعل مختار است . تحت این نظام  
 افراد بهائی در انتخاب اعضاء محافل روحانی  
 و تقدیم پیشنهادات مربوطه آزادی کامل دارند  
 ولی محافل روحانیه فقط مقید باجرای تعالیم

حضرت بهاء الله و آنچه که وجدان ایشان  
 حکم کند بوده تحت هیچ عنوانی مسئول افراد  
 نمیباشند و تحت نفوذ موکلین خود نبوده و  
 مقید برضای آنها نیستند و در نهایت آزادگی  
 با آنچه نصوص حضرت بهاء الله و وجدان ایشان  
 حکم میکند اظهار نظر و ابدای رأی مینمایند  
 و نظر آنها کاملاً لازم الاجرا است .

### ضمانت اجراء

~~~~~

بدیهی است برای خوانندگان ارجمند
 این صفحات این سؤال پیش میآید که با
 تصدیق باین تعالیم بهائی همه مطابق با
 روح عصر ما است و دردهای فعلی عالم انسانی
 را درمان قاطع است چه وسیله برای اجرای
 این تعالیم بعنوان ضمانت اجرا وجود دارد ؟

برای روشن شدن این مطلب نیز چند جمله ای گفته میشود .

اگر بطرز رشد و نمو هسته های اولیّه ادیان سابق آشنا باشیم این موضوع روشن میشود که پیامبران با آنکه بظاهر یگه و تنها و بدون ناصر و کمک در میان قومی نادان و متعصب بروش آباء و اجداد ظاهر شده اند و قیام به هدایت نفوس فرموده اند و با مخالفتهای شدید افراد آن اجتماع روبرو گردیده اند مع الوصف در مدت کوتاهی امرشان جهانگیر و تعالیشان منتشر و مورد تصدیق و ایمان عدّه بيشمار واقع گردیده است و حتی پیروان آنها در راه انتشار تعالیم ایشان از بذل جان دریغ نکردند .

فرمانروایان از اریکه قدرت و عزت بزیر آمده و ملتها خاضع و خاشع شده اند و سرانجام

جهانی از طلوع شمس ظهورشان روشن و
درخشنده شده است .

در این تعالیم چه نیروئی وجود داشته که
بدون توسل بوسائل مادی برجہانیان تسلط
یافته ؟ بعقیده بهائیان این قوه که در جمیع
ادیان سبب پیشرفت امر حضرت رحمن شده است
قوه خلاقه الهیّه است و عبارتت دیگرمیتوان
آنها به سیر ضروری تکامل اجتماعات نوع
انسان تعبیر کرد چنانکه اگر در تعالیم مختصری
که از حضرت بهاء الله در این مختصر آمد دقت
شود هیچیک مخالف آرزو و خواسته مردم
جهان نیست .

آیا جهان باین تعالیم نیاز ندارد ؟
آیا راه دیگری برای تأمین رفاه و آسایش و امنیت
بشر وجود دارد ؟

آیا این احتیاج ذاتا بزرگترین ضمانت اجرای
این تعالیم نیست ؟ و هرچه افق سیاست عالم
تاریکتر میشود احساس نیاز با اجرای این تعالیم
بیشتر نمیگردد ؟

از طرفی مساعی پیروان آئین بهائی کوه
شبانه روز صرف بیداری همنوعان در تمام نقاط
جهان میگردد کمک مؤثری در پیشرفت و تحقق
و استقرار مدنیت بهائی در عالم است .
خاک ایران مهد امر بهائی و مطلع و مشرق
این طلوع یزدانی آغشته بخون بیست هزار
شهید گردیده است که برای پیشرفت این مقاصد
عالی انسانی از جان خود گذشتند و رقص کنان
بمیدان فدا شتافتند و تأثیر این فداکاریها
آن شد که امر بهائی در خلال مدت ۱۲۸ سال
۵۷۰۰۰ اینک در ۲۵ کشور نفوذ کرده و بطور کلی تعداد

مرکزبهای دسراسر کره ارض وجود دارد و همچنان به پیشرفت سریع خود از هر جهت ادامه میدهد . ذکر تمام آمار و ارقامی که مبین پیشرفت امربهای است خود مستلزم نوشتن صفحات عدیده است .

در حقیقت اثرات معنوی این شهادتها ضامن ترقی و تقدم جامعه بهائی در ایران و سایر نقاط عالم گردیده است و هر روز گروه گروه بمحض شنیدن این پیام آسمانی به سپاه صلح و آرامش و وحدت حضرت بهاء الله میپیوندند از طرفی چنانکه گفته شد احساس احتیاج عالم حتی از نظر مصلحین جهان بتعالیم بهائیه بیش از پیش در قلوب و افکار پیدا شده است . بیگمان وقتی بشر برای ایجاد صلح واقعی و تحصیل سعادت حقیقی تمام روشها را

آزمایش کرد و نتیجه ای جز بدبختی و پیریشانی
 و سرگردانی ندید در یگانه راه تأمین سعادت
 یعنی تمسک بتعالیم بهائی گام برخواست
 داشت و یقین خواهد کرد این نظم بدیع
 الهی است و گریزی از پذیرفتن آن ندارد .
 متأسفانه طبق پیش بینی حضرت بهاء الله
 موقعی عالم انسانی باین تعالیم الهی توجه
 خواهد کرد که مدنیت مخرب و مادی فعلی
 جهان را تبدیل بگورستان نموده است و بشر
 بسزای سالها غفلت خود خواهد رسید و در
 حقیقت این نظم بدیع جهان آراء الهی
 بر روی خرابه های تمدن گذشته خیمه
 برافرازد و تمام جهانیان را در زیر آن خیمه
 یکرنگ درآورد .

بعقیده بهائیان هیچ قوه و قدرتی در جهان

قادر بجلوگیری از این سیرتکامل که در سرنوشت
 انسان محتوم است نخواهد بود بلکه آنچه
 بظاهر علیه این امر الهی در جهان اتفاق
 بیافتد جمیعا علت پیشرفت و قطعیا سبب
 نفوذ این تعالیم خواهد شد .

لله

این بود مختصری از تعالیم حضرت بهاء^{۱۶}
 که چهل سال بخاطر آن در تبعید و حبس
 و سلطان مستبد و ظالم امپراطوری عثمانی
 و ایران بسر بردند و از زندان تأسیس مد نیت
 الهی را فرمودند و عملا پاسخ به کیفیت
 ضمانت اجرای تعالیم مقدسش را بیان
 فرمودند .

درخاتمه یکی از مناجاتهای حضرت عبدالبهاء
را مسك الختام این اوراق قرار میدهیم :

هوَاللّٰه

ای یزدان مهربان جمیع بشر را از یک
سلاله خلق فرمودی تا اعضای یک خاندان
گردند و بندگان حضرت تو شوند . در ظلّ
سرادق فضلت مأوی بخشیدی و برخوان
نعمت مجتمع کردی و از اشراقات انوار
عنایت منور ساختی ای خدا توئی مهربان
توئی ملجاء و پناه و بخشنده فیض حیات
تاج انسانی را زینت هر سری فرمودی و خلعت
موهبت را زیور کل بشر تا غریق دریای رحمت
شوند . ای مولای مهربان گل را متحد فرما
مذاهب مختلفه را بیکدیگر الفت بخش جمیع

ملل را ملّت واحده کن تا اجزاء يك خانمان
 شوند و روی زمین را يك وطن دانند و بنهایت
 اتحاد الفت جویند . ای خدا رایت وحدت
 انسانی را بلند فرما و صلح اعظم را مستقر کن
 قلوب را بیکدیگر التیام ده ای خدا
 ای پدر مهربان قلوبمانرا از نفحات محبت
 شادمان کن و دیده هارا بنور هدایت روشن نما
 و گوشه هارا از نغمات جان پرور متلذذ فرما
 و در صون عنایت ملجاء و پناه بخش .
 انک انت القوی القدير یا ستار الصیوب و یا
 غفار الذنوب . عبدالبهاء عباس

گ